

است و گاه فقط نام خود را در تاریخ آن درج کرده است. وی از فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه تصاویر متعددی کشیده است. از آثار رقم‌دار دیگر محمد حسن افشار در موزه ملک، صورت پادشاه در حالت نشسته است که تاج بر سر و شمشیر به کمر دارد و در زیر آن رقم محمدحسن افشار آمده است.^{۲۹}

قلمدانی نیز به رقم وی از تاریخ ۱۲۹۴ ق یعنی دو سال قبل از آخرین رقمی که آقای کریم‌زاده در عداد آثار او ذکر کرده است، در این موزه به جای مانده است. روی قلمدان تصویر ناصرالدین شاه است سوار بر اسب، با یک عده سوار پشت سرش، که در مقابل گروهی سواره خارجی ایستاده‌اند. در دو طرف صحنه مجلس رزم و شکار دیده می‌شود. زیر قلمدان سیاه و کناره‌ها تشعیر طلایی دارد. رابینسون محمدحسن خان، مهرعلی و عبدالله خان را هم‌آوردان میرزابابا دانسته است (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۴۳۳).

نقاشان درباری، طی قرن سیزدهم روشهای مختلف را آزمودند. نقاشی در این زمان به سمت نقاشیهای با قطع بزرگ و تابلوهای مناسب طاقنماهای ساختمانها و سرانجام، دیوارنگاریهای بزرگ گرایش یافت. با آنکه نسخه‌های مصور فراوانی از دوره‌های زند و افشار به جای نمانده است، آنچه به عنوان شاهکارهای کتاب‌آرایی و تصویرسازی نسخه‌های خطی در دست است، نشان از تغییرات سبکی در نحوه کار هنرمندان نقاش دارد. صحنه‌های جنگ و رزم و شکار بسیار فراخ و گسترده هستند. در سطوح کوچک، چون روی قلمدانها و یا قاب آئینه‌ها، فضای وسیع دیده می‌شود با افراد زیاد کوچک‌اندام یا افراد کم که یک صفحه را اشغال کرده‌اند. پیکره‌های کوچک و انبوه بر طبق قاعده دورنمایی و پرسپکتیو، برای نشان دادن انبوه لشکریان به کار می‌رفتند.^{۳۰} ولی پیکره‌ها تخت هستند و قلمهای پرداز و تغییر درجه رنگ، کمی حجم به آنها می‌دهند. نور صحنه، مانند قدیم، نور منتشر است و روی هیچ‌چیز متمرکز نمی‌شود و سایه‌ها اغلب کوتاه‌اند یا حذف شده‌اند. افراد بدون فاصله به هم چسبیده‌اند و در یک نقطه از تابلو مزدحم شده‌اند.^{۳۱} در مواردی که تصویر با روایت داستانی منطبق باشد، چه در نقاشیهای رنگ و روغن و چه در نقاشیهای آبرنگ کتابها یا لاک‌الکلی جلدها و قلمدانها، صحنه‌ها محل حضور افراد زیادی هستند که به هم چسبیده‌اند. در برخی از نسخه‌آراییها نیز روش نقاشی

تصاویر بزرگ مقیاس دیوارها و تابلوها تکرار شده و یک یا دو پیکر بزرگ که معمولاً دختران یا پسران جوان قاجاری با صورتهای گرد، چشمان درشت و ابروان پیوسته هستند، ترسیم شده‌اند. لباسها و زیبایی‌شناسی صورت در دوره قاجار به شکل خاصی متمایز از دوره‌های پیشین است و زیبایی زنانه در شبیه‌سازی مردان دیده می‌شود. بین پسران و دختران، به غیر از لباس، تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود. و رنگهای بسیار شاد و زیبا در آنها به کار رفته است. در صحنه‌های مختلف تفاوت لباس و آرایش تن‌پوش زندیان هم با قاجاریان، خصوصاً در کلاههای آنان، پیداست. در دوره‌های بعد، یعنی در اواخر قرن سیزدهم، کلاههای بلند و کج مانند نگاره‌های هزار و یکشب کاخ گلستان نیز رایج می‌شوند.

تصاویر شهنشاهنامه که اغلب تصاویر صحنه‌های رزم‌اند با کمی تفاوت، شبیه هم هستند. دو گروه در دو طرف ایستاده‌اند و شاه یا شاهزاده‌ای سوار بر اسب، در جلو به صورت کامل ترسیم شده است. در میان دو لشکر هم یک یا چند درخت بلند قرار دارد. برخی صحنه‌ها با حرکت اسبها و یا فرار گروهی از جنگجویان کمی تحرک پیدا کرده است؛ تحرکی که گویا در یک لحظه منجمد شده است. ترکیب‌بندی صحنه نیز چندان که باید پویایی لازم را فراهم نمی‌آورد. در تصاویر داخل کاخ که چند نگاره نسخه ۵۹۹۸ را شامل می‌شود نیز ساختمان بدون تزئین است. ولی در لباسها و جواهرات و حتی فرش دقت زیادی برای تزئینات به کار رفته است. فضای معماری با چند خط ساده و رنگ‌آمیزی بخشهای مختلف فضا از هم تفکیک می‌شوند. ریش بلند مردان و دستار خاصی که در هنگام جنگ به سر بسته‌اند، کمر باریک افراد، شکل اسبها و منظره‌پردازی دوردست در اغلب نگاره‌ها تکراری و در دو نسخه بادلیان و ملک قابل مقایسه است.

در تصاویر این نسخه روش دوره ابتدایی قاجاریه در نشان دادن جزئیات لباسها و تزئینات و ساده رها کردن زمینه و استفاده از رنگهای شاد زرد و صورتی واضح است. البته شاید برای تمییز نقاشی قاجاریه احتیاج به تحلیلهای حرفه‌ای چون مکاتب محلی قرون نهم و دهم نباشد، اما برای شناخت آثار بدون رقم یک هنرمند، دقت روی ویژگیهای سبک هنرمندان مفید خواهد بود. نکته دیگری که در زیبایی‌شناسی نقاشی قاجار تازه می‌نماید، ریشدار کردن اغلب پیکره‌هاست که در

دوران پیش از آن بسیار کمتر دیده می‌شد. پس از فتحعلی شاه با ریش بلند و اولاد فراوانش — که برای جبران مسائل پیش‌آمده برای عمومی تاجدارش، بر آنها تاکید می‌کرد — ریش در صورت قاجاریان، در دوره محمدشاه معتدل شد و بعد از آن در صورت شاهان قاجار دیده نشد. پیکره فتحعلی شاه در این نگاره‌ها مانند فردی است که کوچک شده است؛ مانند عروسک‌هایی که ایستادنشان مصنوعی و لحظه‌ای است. شباهت کلی پیکره‌ها و حرکت اسبها در اغلب نگاره‌ها باعث می‌شود تشخیص هویت افراد فقط از طریق صورت یا کلاه ممکن باشد. اسبها در صحنه‌های جنگ همگی در هوا معلق مانده‌اند. مهارت نقاش در پرداخت مخملین برگهای سبز درختان و یا چینهای لباسها و خصوصاً تزئین طلایی لباسهای شاه و نزدیکان وی پیداست. شکل اسبها و نحوه جنگاوری سپاهیان در تصویر نسخه بادلیان نشان می‌دهد به احتمال فراوان نقاش هر دو نسخه یک نفر است. شاید در تصاویر دیگر نسخه بادلیان رقمی پیدا شود. نقاش در برگهای ۳ و ۷ و ۱۸ رقم خود و تاریخ را نگاشته است. در برخی از اوراق فقط رقم خود را با عبارت «کمترین محمدحسن افشار» نوشته است.

نسخه چاپ سنگی شهنشاهنامه نیز در تاریخ ۱۸۶۷ در بمبئی به چاپ رسیده است و هفده تصویر بدون رقم در مجموع ۱۴۲ برگ آن دیده می‌شود.^{۳۲}

نتیجه‌گیری

نسخه‌های خطی دوره قاجار به دست هنرمندانی مصور شدند که در رشته‌های دیگر نقاشی، چون نقاشی روی قلمدانهای کوچک مقیاس و تابلوهای رنگ و روغن بزرگ مقیاس هم دستی داشتند. بسیاری از نسخه‌های خطی نفیس دوره قاجار تاریخ قاجاریه هستند که به صورت نظم و نثر تالیف شده‌اند. در این زمان عکاسی هم به کمک نقاشان می‌آید و برخی از کتابهای دوره ناصری با عکسهای رجال و یا اماکن تصویرگری می‌شوند و گاهی با جدول و یا تذهیب مختصری در اطراف عکس زینت می‌یابند. صحنه‌های تصویر شده در کتابهای تاریخی غالباً موضوع مشترکی دارند و بسیار شبیه به هم کشیده می‌شوند با اندک اختلافی در جزئیات. یکی از معروف‌ترین استادان نقاشی و مصوران اوایل قاجار محمدحسن افشار است

که در تصویرگری نسخه‌های خطی با آبرنگ مهارت زیادی دارد و به‌خصوص با استفاده از رنگهای درخشان و شاداب و توجه به جزئیات لباسها و جواهرات افراد و نیز ساده رها کردن پس‌زمینه، آخرین نسخه‌های خطی مصور شاهانه را فراهم می‌کند.

شماره برگ و شرح تصاویر نسخه:

در برخی نسخ شرح تصاویر در کنار تصاویر قبل یا بعد از نقاشی نوشته شده‌اند. اما در این نسخه تصاویر بدون شرح به‌خصوص با تجربه بالای نقاش در ترسیم این روایات و وقایع، کشیده شده‌اند.

۲۷ پ: نبرد فتحعلی شاه با صادق خان از مرز ری به جانب قزوین و پیروزی شاه و فرار صادق خان.

۳۱ پ: منشور نوشتن حضرت صاحبقران به کارگزاران پس از پیروزی و تخت‌آرایی.

۵۴ ر: پوزش آراستن نواب حسینقلی خان با نیاز به خاکپای شاهنشاه گردن‌فراز.

۸۴ پ: فرار نمودن سپاه نادرشاه به جانب ایران و هراسیدن ترکان از محمدحسن خان (جنگ نادرشاه به سرداری بهبود خان با محمدحسن خان و ترکان توربن)

۹۲ پ: آمدن نوند به درگاه محمدحسن خان و آگاهی دادن او را از ورود سپاهیان زند به مرز گرگان.

۹۴ پ: جاسوس فرستادن محمدحسن خان به لشکر کریم‌خان و بازآمدن جاسوس و خبر آوردن خزانه و زدن خزانه را و گرفتاری سرداران زند به دست محمدحسن شاه.

۹۹ ر: داستانسرایی طوطی، بعد از گزارش آزاد خان در حضور شاه قاجار، فتحعلی شاه.

۱۰۱ ر: جنگ محمدحسن شاه قاجار با کریم‌خان زند و شکست خوردن کریم‌خان و فرار کردن به سوی فارس.

۱۰۷ پ: جنگ کلاب قاجار با قیطاس زند و کشته شدن او به دست کلاب.

- ۱۰۹ پ: جنگ فغانعلی قاجار با داراب زند که یکی از خویشان زند بود و کشته شدن داراب بر دست فغانعلی.
- ۱۱۰ پ: جنگ آراز با شاه مار و کمند افکندن شاه مار بر یال آراز نامدار و کشیدن آراز شاه مار را به کمند خود و کشته شدن او.
- ۱۱۱ پ: جنگ جهانگیر خان مازندرانی به فرمان محمدحسن شاه با پیر داوژند و گرفتاری پیر داوژند در دست جهانگیر و کشته شدن او.
- ۱۱۲ پ: جنگ بیرام خان قاجار در خردسالی با پرویز زند و کشته شدن پرویز در دست آن کودک خردسال خورشید چهر.
- ۱۱۴ ر: جنگ شیرزاد استرابادی با آذر قباد زند و کشته شدن آذر قباد زند به دست شیرزاد و هجوم آوردن سواران زند و مغلوبه شدن جنگ.
- ۱۲۸ ر: شبیخون حضرت جهانسوز به قلعه هزارجریب و آگاهی یافتن حسن خان قاجار و لشکر کشیدن او به عزم جهانسوز شاه و کشته شدن او.
- ۱۴۷ پ: تهیه اسباب جنگ نمودن بزرگان گرگان و رسیدن حضرت جهانسوز و قتل نمودن ایشان را و نشستن در گرگان.
- ۱۵۰ پ: آگاهی یافتن جهانسوز شاه از آمدن لشکر محمدحسن خان با شرف آهنگ جنگ و عزم فرمودن جهانسوز شاه با سی سوار به جنگ او و به ساری رفتن و گرفتن محمدحسن خان.
- ۱۵۳ پ: آمدن مهدی خان پسر محمدخان و لشکر گرفتن و به جنگ جهانسوز شاه رفتن.
- ۱۹۸ پ: آمدن علی خان خمسه در منزل ساروق فراهان به درگاه محمد شاه و از آنجا به آهنگ پسر آزاد خان رفتن و جنگ کردن با او و شکست پسر آزاد خان.
- ۲۱۰ ر: لشکر کشیدن جعفر خان زند بر سر تقی خان یزدی و اعانت خواستن تقی خان از میر محمد خان طبسی و آمدن میر محمد خان به یزد و از هم پاشیدن جعفر خان.
- ۲۱۶ ر: رفتن لشکر دارای جمجاه محمد شاه قاجار به جانب فارس به جنگ لطفعلی خان زند و جنگ کردن با او و شکست خوردن لطفعلی خان زند.

۲۳۲ پ: جنگ لطفعلی خان و پادشاه در کرمان (شاید متن و تصویر در اینجا با هم منطبق نباشند. برخی از سربازان احتمالاً روسی‌اند و لباسهای اروپایی دارند).

۲۳۶ پ: محاصره نمودن لشکر دارای کشورگشا دژی را و زنهار خواستن اهل آن قلعه و بخشیدن ایشان را.

۲۴۲ پ: نامه نوشتن محمد شاه به ارکلی سالار تفلیس و بعد از نامه خود متوجه تسخیر آن ولایات شدن و جنگ نمودن با ارکلی و فرار او و گرفتن تفلیس (تصویر آغا محمدخان).

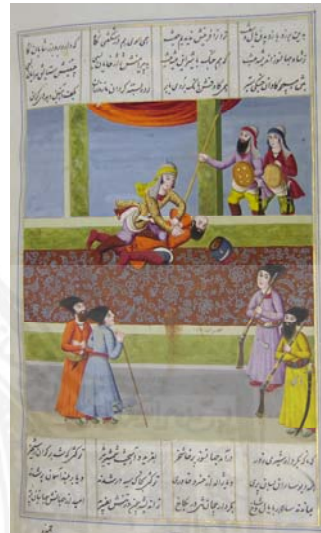
۳۳۴ ر: جنگ کردن نواب کامیاب عباس شاه با اشپخدر روسی و شکست خوردن لشکر روس از سپاه نصرت همراه ایران.



شهشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهنشاهنامه، کتابخانه بادلیان

آکسفورد، ۱۲۲۵ ق (از:

اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹).

شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم

محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



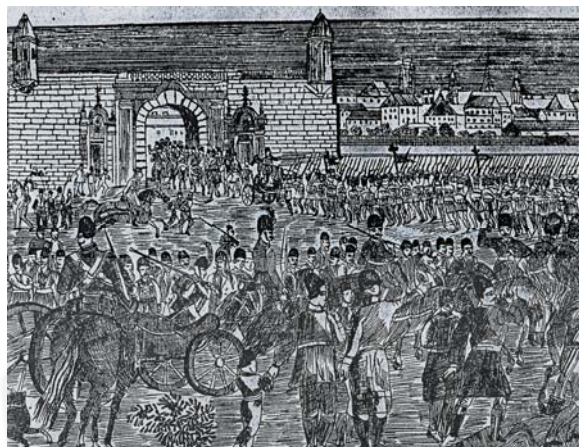
بازدید ناصرالدین شاه از مشق نظامی به همراه سپهسالار و ولیعهد،
منسوب به محمدحسن افشار، نیمه دوم قرن ۱۳، موزه ملک.



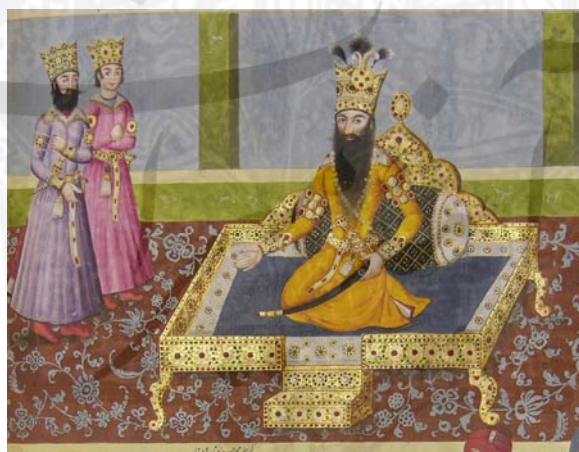
قلمدان، رقم محمدحسن افشار ۱۲۹۱ ق، موزه ملک.



قلمدان، منظره سازی، منسوب به محمود خان ملک الشعراء، موزه ملک.



شهنشاهنامه، چاپ سنگی، بمبئی، تصویر ورود فتحعلیشاه به طهران.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افسار، ۱۲۵۹ ق.



تصویر فتحعلیشاه، نقاشی پشت شیشه،
با شعری در مدح وی، موزه ملک.



کریم خان زند، موزه ملک، رقم
محمدحسن افشار.



تصویر کریم خان زند، موزه
ملی ایران، گنجینه دوران
اسلامی.

پی نوشتها

۱. شماره 327 Eliot بادلیان آکسفورد (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۲۶۳). در این نسخه نیز تصویری از فتحعلی شاه متکی بر مخده دیده می شود.
۲. تا جایی که تصاویر میناکاری شده شاهان در لباس و جواهرات فرزندان آنها دیده می شود.
۳. تصویر نادر شاه افشار از شهنشاهنامه نادری متعلق به وزات دربار سابق، به قلم ابوالحسن در سال ۱۱۸۹ق. اما تصویر نادر در شهنشاهنامه نادری شماره ۶۳۳۲ ملک، و تصویر کریم خان زند رقم محمدحسن افشار در موزه ملک در دوره قاجار تهیه شده اند.
۴. اغلب نقاشیها فتحعلی شاه را با لباس رسمی نشان می دهند؛ ولی روی یک جعبه جواهر در موزه جواهرات ملی وی بدون تاج و سربرهنه تصویر شده است. برخی از جواهرات مجلل وی که توسط شاعران توصیف شده اند، در این موزه نگهداری می شوند.
۵. تذکره ها سال شروع شهنشاهنامه را ۱۲۲۴ اعلام کرده اند. در شهنشاهنامه هم در مدح شاه می گوید:

کنونت گذارم یکی داستان ز دارای گیتی نه از باستان
زینچه گرم کم بود سال پنج ولی بردم افزون ز صد سال رنج.

نسخه ملک، شماره ۵۹۹۸، گ، ۱۵ پ.

۶. تصویر این حکم در مقدمه دیوان صبا کاشانی به چاپ رسیده است. تصویر خود صبا نیز در میان صورت افراد سلام خاقان دیده می‌شود.
۷. تذکره‌های فراوانی از دوره قاجاریه به جای مانده است. برای صبا، از جمله نک: تذکره خوشنویسان، اثر هدایت‌الله سپهر، و نیز مجمع محمود، مدایح معتمدیه، تذکره افسر، تذکره اختر، بستان الفضایل، تذکره دلگشا، حدیقه الشعراء، انجمن خاقان، زینة المدایح، نهضت ادبی قاجار، بیان المحمود.
۸. تصویر فتحعلی شاه، نقاشی پشت شیشه، موزه ملک، با این مطلع:
- لوحش الله در زمان خسرو مالک رقاب، داور خورشیدرو شاهنشاه گردون جناب
۹. بجز قلمدان عاج، حداقل یک قلمدان به سبک و یک قلمدان با رقم محمود خان در موزه ملک وجود دارد.
۱۰. از نسخه‌های ثبت شده *خداوندنامه* هیچ‌کدام مصور نیستند.
۱۱. (هدایت ۱۳۲۹: ۱۲۶) در صورتی که ذبیح‌الله صفا می‌گوید: در *خداوندنامه* از کیفیت تقدیم *شهنشاهنامه* به فتحعلی شاه و مأمور شدن به نظم *خداوندنامه* و اقدام برای این کار سخن گفته است (صفا ۱۳۳۳: ۳۷۶).
۱۲. (صبا ۱۳۰۸؛ و نیز هدایت: *روضه‌الصفاء*، ج ۱، ص ۱۲۷). نسخه‌ای از *لیلی* و *مجنون* در کتابخانه ملک وجود دارد که آقای منزوی از آن با عنوان *لیلی* و *مجنون* ناشناخته نام برده است. در صفحه عنوان این نسخه مرحوم ملک یادآوری کرده است که این نسخه را از کتابخانه مخبرالسلطنه خریده و تنها نسخه موجود است (شماره ۵۵۵۳ ملک).
آغاز نسخه:
- ای صبا ای راحت جان ای صبا ای صبا ای پیک جانان ای صبا.
۱۳. شاید یکی از آثار صبا باشد که به صورت مثنویهای پراکنده ثبت شده است.
۱۴. آثار متعددی به نام *شهنشاهنامه* یا *شهنشاهنامه* سروده شده‌اند که به دوره‌های مختلف تاریخی تعلق دارند. نامگذاری و سروده شدن این آثار متأثر از *شاهنامه* حکیم فردوسی بوده است و اغلب آنها مضامین حماسی را دنبال کرده‌اند. جهت دیگر نامگذاری آن بوده که به شاهی تقدیم شده یا از بزرگی یا حاکمی در آن سخن رفته است. در سده هشتم هجری *شهنشاهنامه* یا *شاهنامه* احمدی از احمدبن محمد تبریزی در زمره اولین آثار مسمی به *شهنشاهنامه* است (منزوی ۱۳۴۸: ۲۹۷۶/۴).
- سلطان مراد عثمانی نیز در اواخر قرن دهم منظومه‌ای به همین نام سروده است (همانجا).
۱۵. همانجا. از این دست آثار می‌توان *شهنشاهنامه* فتحعلی‌شاهی و *شهنشاهنامه* از میرزا تقی عنوان‌نگار را نام برد که دومی به نام مظفرالدین شاه پرداخته شده است (منزوی ۱۳۴۸: ۲۶۹۰/۴).
۱۶. این تاریخ را انجامه *شهنشاهنامه* چاپ سنگی نیز تأیید می‌کند.
۱۷. دهخدا ۱۳۳۷: ذیل «صبا» و «محک‌الشعرا»، نسخه ملک، گ ۱۱۹ و ۱۲۰ و نیز دیباچه: *شهنشاهنامه* کتابخانه ملک، ص ۱۷.

۱۸. گویا منظور وی فاضل خان گروسی است که دست‌پرورده و شاگرد صبا بوده است. گرچه خود وی هم همین اعتقاد را داشته است، مقایسه دو اثر نشان می‌دهد که هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج.

۱۹. گر او بود افراسیاب سخن مر او را شد این رستم پیلتن
و نیز:

اگر ز فضل تقدم سخن رود دیدیم شرننگ در دم ماران و مهره در دنبال.

۲۰. دهخدا ۱۳۳۷: ذیل «صبا». صبا در ۱۲۱۲ ق، سال جلوس شاه، لقب ملک‌الشعرایی می‌گیرد و اینکه آقای منزوی ذیل *شهنشاهنامه* می‌گوید «از چهل‌سالگی آغاز کرده و تا دهمین سال پادشاهی فتحعلی شاه بدان پرداخته، از ۱۲۲۴ یعنی ۴۴ یا ۴۵ سالگی تا سال هجدهم پادشاهی فتحعلی شاه» صحیح است.

۲۱. از مجموع نسخه‌هایی که آقای منزوی ثبت کرده به غیر از دو نسخه آصفیه و بریتانیا بقیه در ایران هستند.

۲۲. کریم‌زاده تبریزی ۱۳۶۳: ۳/۶۹۷. وی این نسخه را نسبت به کارهای دیگر افشار ضعیف‌تر می‌داند.

۲۳. نسخه‌ای است که برای امپراتور اتریش فرستاده شده است.

۲۴. ذیل تصویر نسخه تاریخ آن را ذکر کرده است (همانجا). شاید همان نسخه‌ای باشد که رایبسون عقیده دارد در کاخ ویندسور است و به جرج سوم هدیه شده بود (ایتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۳۴۴). به هر حال نباید نسخه کاملی باشد، زیرا سرودن این منظومه در ۱۲۲۳ ق آغاز شده بود. به این ترتیب سرودن کل این مثنوی کمتر از شش سال طول کشیده است.

۲۵. با توجه به نسخه‌های رایبسون می‌توان دانست که نسخه‌های زیادی ثبت نشده‌اند؛ از جمله نسخه‌هایی در مجموعه خیامی و کتابخانه تبریز و برگهایی در موزه هنرهای تزئینی و برخی دیگر که پراکنده و معرفی نشده‌اند.

۲۶. ابیات پایانی *شهنشاهنامه* ملک:

که نگسستیم رشته زندگی رساندم به انجام این بندگی

که این شاه را بر سرت کام باد جو آغاز یزدانش انجام باد

۲۷. نمونه این سکه در موزه ملک وجود دارد.

۲۸. کریم‌زاده قدیم‌ترین اثری را که رقم نقاشی به دنبال نام افشار آمده قلمدانی از ۱۲۶۱ ق (دوره محمد شاه) می‌داند (کریم‌زاده تبریزی ۱۳۶۳: ۳/۶۹۴).

۲۹. در مقایسه با تصویری از کریم‌خان زند که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، می‌توان انتساب این چهره به کریم‌خان را تأیید کرد.

۳۰. علم مناظر و مرايا یا پرسپکتیو در این زمان در مدارس طراحی آموزش داده می‌شد.

۳۱. در نمونه نسخه چاپ سنگی حمله حیدری، کار میرزا نصرالله از قرن چهاردهم هجری، به صورت بارز و زیبا این خصوصیت دیده می‌شود.
۳۲. تصاویر نسخه چاپی با نسخه خطی تفاوت بسیار دارد. سبک نقاشی هاشوری و متفاوت با نسخه‌های خطی است. تصویر فتحعلی شاه که دست به کمر ایستاده است، در نسخه چاپ سنگی *مرآت البلدان* با شباهت زیادی به این نسخه دیده می‌شود. نسخه چاپ سنگی، در حدود پنج هزار بیت از ابیات کتاب را در بر می‌گیرد.

منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد، و یارشاطر، احسان، ۱۳۷۹، *اوجهای درخشان هنر ایران*، ترجمه روئین پاکباز و هرمز عبداللهی، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین، تهران.
- ریاحی، محمدمین، ۱۳۷۶، *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۸، *تاریخ ایران پس از اسلام*، تهران.
- شهنشاهنامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۹۹۸.
- شهنشاهنامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۰۶۳.
- صبا، فتحعلی خان، *دیوان ملک الشعرا فتحعلی خان صبا*، به تصحیح و اهتمام محمدعلی نجاتی، تهران، ۱۳۴۱.
- صبا، فتحعلی خان، *شهنشاهنامه*، بمبئی، ۱۸۶۷.
- صبای کاشانی، فتحعلی خان، *گلشن صبا*، به اهتمام حسین کوهی کرمانی، تهران، ۱۳۰۸.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۳۳، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران.
- کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، ۱۳۶۳، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، لندن.
- محک الشعرا، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۴۰۹۶.
- منزوی، احمد، ۱۳۴۸، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران.
- هدایت، رضا قلیخان، *روضه الصفا*، ج ۱۰، قم، ۱۳۲۹.
- هدایت، رضا قلیخان، *ریاض العارفین*، به کوشش محمدعلی گرکانی، تهران، ۱۳۴۴.